

روایت

خودشیفتگی یا نارسیسیسم چرا؟

علیرضا کریمی‌صاری

● چندی قبل از میان انبوه کتاب‌های منتشرشده الکترونیکی، کتابی با عنوان «شخصیت خودشیفته» به قلم «فاطمه شعبیعی» نظرم را جلب کرد. واژه «خودشیفتگی» (و خودگامی در لغت arcissism) به اسطوره‌ای یونانی که نارسیسوس نام داشته است برمی‌گردد. «خودشیفته یا ناریسیست» به عنوان انسان‌هایی گفته می‌شود که خود را بسیار بزرگتر و مهم‌تر از دیگران می‌دانند. این انسان‌ها تمایل به عصبانیت، پرخاشگری و توهمین به دیگران دارند و اصولاً از نظر ایجاد ارتباط اجتماعی بسیار ضعیف‌اند و همواره تلاش دارند تا خود را تافته‌ای جداافتاده از جامعه دانسته و همواره با تأکید بر غرور کاذب، شخصیتی متفاوت از خود بروز دهند. ناریسیست‌ها فقط به خویشتم می‌اندیشند و ایجاد ارتباط با دیگران برای آنها نامفهوم است مگر آنکه سودی از طرف مقابل عایدشان شود. آنها غالباً تعادل شخصیتی ندارند و غرق در غروری غیرطبیعی، اغراق در پیشرفت‌ها و استعدادهای خود هستند و معتقدند که استثنائی و بی‌همتا هستند و فقط طبقه بالای جامعه می‌توانند آنها را درک کنند.
بسیار به تعریف و تمجید علاقه‌مندند و انتظار دارند که همواره دیگران با خواسته‌ها و نظرات آنها موافق باشند و عقیده دارند که دیگران به حال آنها غیبه خورده و بدون عذاب‌وجدان به استثمار دوستان و نزدیکان خود و شاید دیگر افراد جامعه بپردازند. متأسفانه ظاهرشان با باطن‌شان کاملاً متفاوت است و هیچ‌گاه تحمل انتقاد را ندارند. این کتاب الکترونیکی به مسائل بسیاری درباره رفتار ناشایست انسان‌های خودشیفته یا ناریسیست پرداخته است که در اینجا مجالی برای توضیح کامل آنها نیست، با خواندن این کتاب بخش عمده‌ای از جامعه کشورمان به صورت تصویری متحرک و گاه ثابت، رفتارهای ناشایست و غیرفرهنگی را در مقابل دیدگام به تصویر کشید، انگار که در نگارخانه‌ای مجموعه‌ای از عکس‌های رنگی با نگاهی خاکستری و منفی‌گرایانه را در تماشا باشیم. در این نگارخانه، چشم‌مان به تصویری از کودکی آزرده از روزگار کرسنگی و فقر دربی لقمه نانی در سطل زباله و نگاه بی‌تفاوت رهگذران خیابان افتاد و در ادامه آن تصویر تحقیر و تهدید و تمسخر خودشیفته‌ای که این نیچه فقیر خنده ناجوانمردانه‌ای را برای خود و شاید دیگران مهیا کند. در مسیر راه‌روهای پرپیچ‌وخم این نگارخانه کبر و غرور، تصویری از افرادی را می‌بینم که در منصب کاری خود، حاضر به پاسخ‌گویی و راه‌نمایی ارباب رجوع نیستند.
تصاویری می‌بینم که پدر و دختری شناسنامه به‌دست با یک گردنی خمیده به‌دنبال خریدات و ریافت وام برای تهیه جهیزیه التماس می‌کنند.
تصاویری از هنرمندی که آثار هنری‌اش را به همراه دارد و در گالری‌های مختلف به‌دنبال خریدار می‌گردد تا شاید گرهی کوچک از اندوه ایجادشده در فضای خانوادش باز شود و دریغ از یک نگاه خریدارانه. در این نگارخانه بی‌انتهای تصویری از هنرمندنامی را می‌بینم که با ایجاد روابطی غیرمتعارف، در فصل نمایشگاهی کپی‌شده از آثار دیگران را به نام خویش به نمایش می‌گذارد و آن قدر شیفته خود می‌شود که خویشتم واقعی خویش را فراموش کرده است. اما چه باید کرد چرا جامعه امروز ما دچار این بیماری هولناک شده است؟ این همه خودشیفتگی از کجا آمده است و ریشه آن در کجاست؟ آیا وجودداشتن تربیت درست خانواده و مدرسه و عدم قوام‌یافتگی فرهنگی باعث رشد این بیماری لاجلاج شده است؟ شاید اقتصاد نابسامان و تقویت رفتار دلالی‌مانابه و رشد بی‌رویی آن در جامعه، تعادل و توازن بین کفه‌های شعور اجتماعی و ثروت بسادوستی درون نامتعادل کرده است. آیا علت دیگر، رسانه‌ها هستند که یک‌شبه هر صد ساله را برای اشخاصی خاص مهیا کرده و اسباب خودشیفتگی را فراهم می‌کنند؟ نباید از نظر دور داشت که از همه مهم‌تر رشد لجام‌گسیخته فردگرایی و سلیقه‌های رفتارگرکن است که باعث ظهور خودشیفتگی به‌مثابه یک بیماری رشدیافته فرهنگی در زمانه ما شده است. با کمال تأسف شاید درصد بالایی از افراد خودشیفته تازه‌به‌دوران‌رسیده‌هایی هستند که از آب گل‌آلود اقتصادی امروز، بسیار ماهی گرفتند و متأسفانه خود الگوی رفتاری برخی از جوانان ما نیز شده‌اند که آینده‌های هولناک را رقم خواهند زد.
زمان آن رسیده است که یاد بگیریم خود حقیقی درون خودمان را دوست بداریم و به آن اصالت داده و در مسیر احیا و زندگی‌کردن درست با آن باشیم. فقط زمانی می‌توانیم از مصمیم قلب دیگران را دوست داشته باشیم که اول خودمان را دوست بداریم. البته گفتنی است که خوددوستی را هرگز از خودشیفتگی اشتباه نگیریم. خوددوستی، یعنی من در جایگاه خودم به عنوان یک انسان، منحصربه‌فرد هستم و دیگران نیز در جایگاه خود بی‌تظیرند. با این اندیشه و تفکر، جامعه رو به سلامت خواهد رفت و نیازی به رفتارهای متکبرانانه، دروغین و خودخواهانه در سازمان‌ها، ادارات، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، آنتسنگ‌ها، گالری‌های هنری و… نخواهد بود. خودشیفتگی، طلبکاربودن از دنیا و دیگران، بیماری قابل درمانی نیست اما شاید فقط با مقابله درونی و دوری از غرور و تکبر و رسیدن به اصل واقعی خویشتم، یک خودشیفته یا ناریسیست بتواند رهایی یابد.

روزنامه شتر

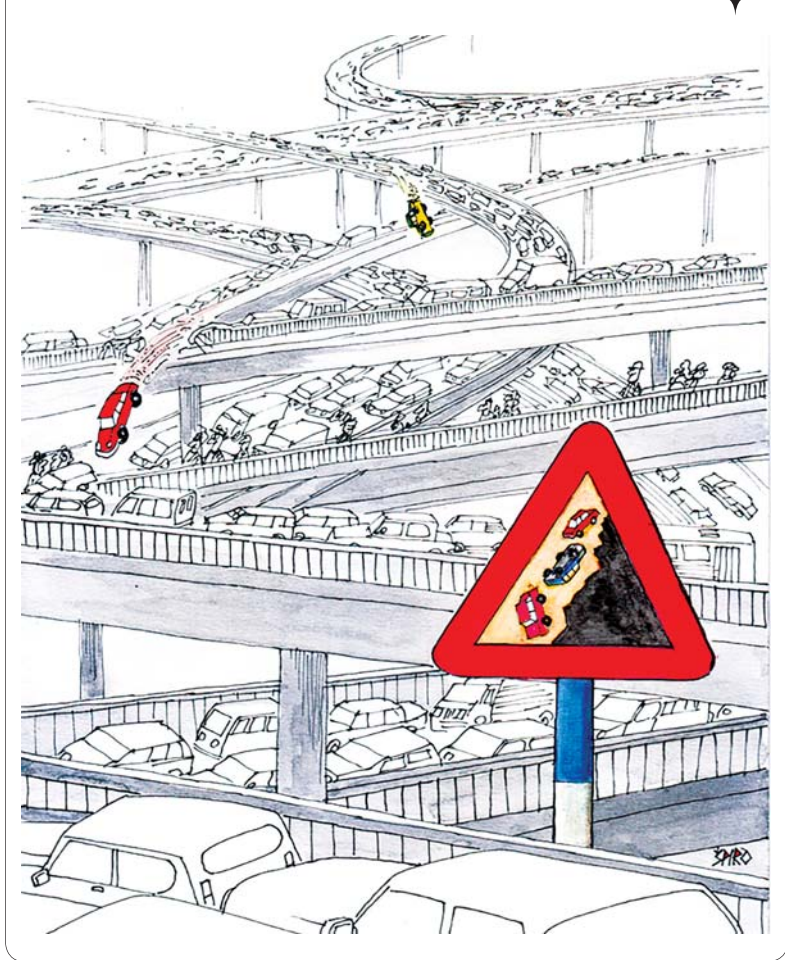
www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲ دی ۱۳۹۸ • ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۲۴ دسامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۶۰۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۶ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

اسپیر و لادولویچ



گزارش

لایه‌های مختلف آسیب، راه‌حل‌های متفاوت

کیسو فقفوری؛ انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با همکاری معاونت اجتماعی شهرداری تهران مجموعه‌ای از کارگاه‌های دانش‌افزایی درباره مسائل شهری را از ۱۸ آذر آغاز کرده است که پنجمین کارگاه آن با حضور سعید مدنی به موضوع «آسیب اجتماعی و شهر» اختصاص داشت. در جلسه دیروز سعید مدنی که این کارگاه را برگزار می‌کرد با اشاره به خیر حادثه‌ای که تابستان در روزنامه «شرق» منتشر شده بود، سعی کرد با حاضران درباره تفاوت‌های مسئله اجتماعی، آسیب اجتماعی، بحران اجتماعی و جرم اجتماعی تبادل نظر کنند. در این کارگاه نکته‌های مختلفی برای تشخیص و افتراق بین آسیب و مسئله اجتماعی بیان شد. شیوع و دربرگیری شمار قابل توجهی از افراد، میزان تأثیر بر کیفیت زندگی ازجمله این افتراق‌ها هستند و همچنین باید در نظر داشت هر پدیده‌ای که اجتماعی باشد نه فردی، علل یا عوارض اجتماعی داشته باشد نه فردی و بنابراین نیازمند مداخله اجتماعی باشد نه فردی که سبب می‌شود موضوع از مسئله‌بودن تبدیل به آسیب اجتماعی شود.

سعید مدنی اشاره کرد که مدت‌هاست جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر پدیده فردی وجود ندارد که تبعات اجتماعی داشته باشد. حتی مسائلی مانند میزان سلامت -مثل چاقی یا سرطان- نیز به پدیده‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ مثلاً در آمریکا چاقی یک آسیب است و در ماچرای که در روستایی در ایران درباره ایدز رخ داد یک بحران اجتماعی پیش آمد. سازمان بهداشت جهانی از ۲۰ سال پیش به این نتیجه رسیده است که باید مفهومی مثل «تعین‌کننده‌های اجتماعی سلامت» را به رسمیت بشناسد و بسیاری از بیماری‌ها حاصل تعین‌کننده‌های اجتماعی نظیر فقر، نابرابری، بی‌سوادی و… هستند. سعید مدنی سعی کرد در این کارگاه به این پرسش که آیا دست‌اندرکاران قانون‌نویسان معمولاً درباره حادثین و بحرانی‌ترین مسائل اجتماعی، از قانون کمک می‌گیرند و جرم را تعریف می‌کنند یا خیر، پاسخ دهد؛ «او تأکید کرد: «مسائل گوناگون نظیر سنن، عرف و مذهب و معیارهای جامعه و… در زمان‌های مختلف متفاوت است که نمونه آن بحث چندمسرری و ماهواره است. همچنین از دیگر نکاتی که در این کارگاه مطرح شد، تقسیم‌بندی آسیب اجتماعی از طرف افراد مختلف، چه در جهان و چه در ایران بود. فردی نظیر دکتر شیخاوندی در سال ۱۳۵۰ مسائل اجتماعی را اعتقاد، خودکشی، ولگردی و تکی‌گری و… دانسته بودند و در سال ۱۳۷۴ دکتر ستوده مسائلی مانند زدالت، آبریزگاهی، اختلاس، جنایت، تقلب و… را

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۲۰۳۲۷۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۰۳۱۲۰۳۶۲۰ • تلفن آگهی‌ها: ۰۲۵۰۸۹۴۲۰ • تلفن امور مشترکین: ۰۳۵۸۰۳۵۸۹ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گل‌ریز • تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲



قادر باستانی

غربی‌ها، سال را برخلاف ما، دو عددی می‌خوانند؛ یعنی سه سال ۲۰۱۹ می‌گویند بیست نوزده، سال جدیدشان هم که بیست بیست است. خدا کند که برای همه جهان، سال جدید بیست بیست باشد! ما ایرانی‌ها که سال سختی پشت سر گذاشتیم و چشم‌انداز روشنی هم برای رفع مشکلات فرآینده، احساس نمی‌کنیم. اگرچه دولت و بانک مرکزی توانستند کمی لجام گسیخته اقتصاد را بگیرند، اما فشار توفنده تحریم‌ها که بخش غالب آن بر کرده قشر مستضعف سنگینی می‌کند، روزبه‌روز سخت‌تر و تحمل آن دشوارتر می‌شود. آماری ندادند که در این سال، چند خانوار طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط کردند، اما همه ما سیدهای خالی‌تری از گذشته را روزانه با گوشت و پوست خود لمس می‌کنیم. تحمل این شرایط، زمانی سخت‌تر می‌شود که اخبار متواتر اختلاس و دزدی و فساد، رساتر از همیشه به گوش می‌رسد و این خلق مردم را تک و صبرشان را سر می‌کند. شاید اگر چنین نبود، تحمل شرایط ناگوار، سهل‌تر می‌شد. در تاریخ مشروطیت می‌خوانیم دوره استبداد صغیر که محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست و نماد انقلاب مردم ایران را تعطیل کرد، اهالی مشروطه‌خواه تیزتر مقاومت کردند. شهرشان یک سال در محاصره شدید بود و کار به جایی رسید که در بهار سال ۱۲۸۸، مردم شهر از فرط گرسنگی، یونجه خوردند، اما در برابر استبداد شاهنشاهی سر خم نکردند. انتخاب خودشان بود و هنوز که هنوز است، به آن ایستادگی افتخار می‌کنند. همه ما به خاطر داریم که نامزدهای احراز یُست ریاست‌جمهوری، در مناظره‌های تلویزیونی راه و روش خود را برای اداره کشور بیان کردند. حسن روحانی از روز اول، روش خود را مذاکره و توافق با قدرت‌های بزرگ معرفی کرد. برخی دیگر، تقابل سینه به سینه با استکبار جهانی را راهکارشان برای اداره کشور می‌دانستند. مردم به حسن روحانی رأی دادند. او مذاکره کرد و به برجام

صاف و ساده

تحویل سال ۲۰۲۰ با اعمال شاقه

خواهد داشت. در جهانی که کشورها برای رسیدن به پیشرفت، مسابقه گذاشته‌اند، رشد صفر درصدی، عقب‌ماندگی‌های جبران‌ناپذیر ایجاد خواهد کرد؛ ضمن اینکه ناهمراهی شهروندان با سیاست‌های کلان سیاسی در کشور، تبعات بزرگ‌تری را هم‌گریان‌گیر دولت می‌کند. سال ۲۰۱۹ مثل چند سال گذشته، سال گسترش رسانه‌های اجتماعی بود. اکنون بیش از یک میلیارد نفر از اینستاگرام استفاده می‌کنند. فیس‌بوک با بیش از دو میلیارد کاربر، بیشترین مخاطب فعال شبکه‌های اجتماعی را دارد. ۵۰۰ میلیون نفر هر روز از استوری اینستاگرام بهره می‌برند.کاربران در سال ۲۰۲۰ به طور میانگین روزی ۲۸ دقیقه وقت در اینستاگرام سپری خواهند کرد. در ایران، علی‌رغم فیلترینگ تلگرام، هنوز مردم از آن استفاده می‌کنند. واتس‌آپ در سال ۲۰۱۹ غوغا کرد و گویا در سال ۲۰۲۰ گوی رقابت را از تلگرام خواهد ربود. شبکه ملی اطلاعات، همان‌طور که در کشورهای چین و روسیه، توانست موفق شود، در ایران هم راه به جایی نخواهد برد و هزینه بالایی روی دست مالیات‌دهندگان خواهد گذاشت. مردم جهان در سال ۲۰۱۹ با گسترش خطر افراطی‌گرایی نژادی و قومیتی مواجه بودند و این شرایط در سال ۲۰۲۰ تشدید خواهد شد. یکی از عوامل رشد افراط‌گرایی، ناسوتالیسم و ملی‌گرایی، تسهیل ارتباط میان اقلیت‌هاست و کنترل آن اراده جهانی را می‌طلبد. برخی فکر می‌کنند جهان به سمت نوعی فاشیسم و نژادپرستی، همراه با پوپولیسم و عوام‌زدگی پیش می‌رود. اگر ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا باقی بماند، احتمال رشد این وضعیت بیشتر خواهد بود. تحویل سال ۲۰۲۰ با اعمال شاقه است. باید دعا کنیم انتهایی که در جهان تصمیم‌گیر هستند، کاری نکنند فردا توجیه مناسبی برای سیاست‌های امروزشان نداشته باشند. مردم مستحق این همه فشار و تنگدستی نیستند. آنها نمی‌خواهند فرزندان‌شان با حسرت و ناامیدی، شاهد پیشرفت‌های ممالک دیگر باشند و هر سال دریغ از سال قبل، دچار حرمان و اندوه شوند. مردمان ما چیز زیادی نمی‌خواهند؛ خواست آنها حکمرانی خوب و کمی منطق و انصاف است. امید که در سال بیست بیست، این خواسته دل مردم مستجاب شود.

تلنگر

کودکان بی‌سرپرست نیازمند ترحم نیستند

این‌ بود که می‌خواستند مرکزی تأسیس کنند و فکر می‌کردند بیشتر دیده و شاید هم با این کار خودشان بیشتر راضی می‌شوند. چه بخواهیم و چه نخواهیم، زندگی در مراکز نگهداری برای کودکان عوارضی دارد که نباید چشم خود را روی این واقعیت‌ها بست. یکی از تلخ‌ترین صحنه‌هایی که در همه کشورهای دنیا می‌توان دید، این است که کودکان مراکز نگهداری کودکان، به نمایشگاهی برای جلب مشارکت مردم و خیران و بنگاه‌ها تبدیل شوند؛ موضوعی که هم ما با آن مواجه هستیم و بعضی از مراکز ما این‌گونه شناخته می‌شوند. باید حضور خیران و بنگاه‌ها و فعالان اجتماعی را برای حمایت از کودکان به فال نیک بگیریم و بی‌توجهی به این ظرفیت ارزشمند و بی‌بدیل را بی‌تدبیری می‌دانم. ولی بپذیریم. ایفای این مسئولیت فقط با تأسیس مراکز و مؤسسه خیریه نیست. بلکه می‌توان کار خیر را بدون دیده‌شدن و در بطن جامعه و در درون خانواده‌ها انجام داد و بچه‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست به جای تجربه زندگی در مراکز و مؤسسات نگهداری، کرما و صفای حضور در خانه‌ها را تجربه کنند و با این کرما زندگی آنان از تأسیس مرکز به سمت حمایت و نگهداری از آن گروه از کودکان در این فعالیت‌ها چراکه آینده زندگی کودکان با حضور در بطن جامعه ساخته می‌شود و در همه دنیا نباید کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست محملی برای جلب مشارکت خیران در مراکز و مؤسسات شوند. موفقیت مشارکت خیران را باید در توانمندسازی این گروه از کودکان در جامعه دنبال کرد. پنج سال قبل به دعوت گروهی از افراد مؤثر در جامعه و ذی‌نفعوذ به جلسه‌ای متوجه شدم می‌خواهند برای توانمندسازی حدود ۶۰ کودک مرکزی تأسیس کنند و ظرفیت‌های فردی و اجتماعی و سیاسی‌شان را به کار گیرند. در آن جلسه گفتم در تهران ۶۰ کلینیک مددکاری اجتماعی فعالیت دارد که از سوی مددکاران اجتماعی تحمیل‌کرده و بتجربه مدیریت می‌شوند. پیشنهاد می‌کنم به جای تأسیس مرکز بایبید مسئولیت توانمندسازی هر کودک را به یک کلینیک واگذار کنید ولی همه ظرفیت‌های خود را در اختیار آنها قرار دهید تا با برنامه‌ریزی مناسب و متناسب با شرایط هر کودک برای توانمندسازی‌شان اقدام شود. در نهایت کار خودشان را کردند و منجز تأسیس مرکز کردند. مهم‌ترین دلیل

هم‌اینک نیز شککننده هستند، منابع محدودی دارند و برای رسیدن به شکوفایی تلاش می‌کنند. در سال جاری ر روزی ۲۲۲ میلیون مهاجری که اعضای جدایی‌ناپذیر همه جوامع ما هستند، به رسمیت شناخته شدند. امروز همه‌گرمی روزی است برای به رسمیت شناختن سخاوت و گرمی جوامع میزبانی که تازه‌واردان را بدون توجه به نام‌شان در آغوش گرفتند. در کلمبیا، در آلمان و در سراسر جهان، نمونه‌هایی از جوامعی را می‌بینیم که خانه و زندگی‌شان را با آنان که نیک‌بختی کمتری دارند، به اشتراک گذاشته‌اند. بسیاری از جوامعی که مهاجران به آنجا می‌رسند،

فردا و تکرار ضرورت احترام به حقوق و عزت همگان. این افراد از سوی سازمان ملل متحد نام‌گذاری شده تا حدود ۲۲۲ میلیون مهاجری که اعضای جدایی‌ناپذیر همه جوامع ما هستند، به رسمیت شناخته شوند. امروز همه‌گرمی روزی است برای به رسمیت شناختن سخاوت و گرمی جوامع میزبانی که تازه‌واردان را بدون توجه به نام‌شان در آغوش گرفتند. در کلمبیا، در آلمان و در سراسر جهان، نمونه‌هایی از جوامعی را می‌بینیم که خانه و زندگی‌شان را با آنان که نیک‌بختی کمتری دارند، به اشتراک گذاشته‌اند. بسیاری از جوامعی که مهاجران به آنجا می‌رسند،

هم‌اینک نیز شککننده هستند، منابع محدودی دارند و برای رسیدن به شکوفایی تلاش می‌کنند. در سال جاری ر روزی ۲۲۲ میلیون مهاجری که اعضای جدایی‌ناپذیر همه جوامع ما هستند، به رسمیت شناخته شدند. امروز همه‌گرمی روزی است برای به رسمیت شناختن سخاوت و گرمی جوامع میزبانی که تازه‌واردان را بدون توجه به نام‌شان در آغوش گرفتند. در کلمبیا، در آلمان و در سراسر جهان، نمونه‌هایی از جوامعی را می‌بینیم که خانه و زندگی‌شان را با آنان که نیک‌بختی کمتری دارند، به اشتراک گذاشته‌اند. بسیاری از جوامعی که مهاجران به آنجا می‌رسند،

هم‌اینک نیز شککننده هستند، منابع محدودی دارند و برای رسیدن به شکوفایی تلاش می‌کنند. در سال جاری ر روزی ۲۲۲ میلیون مهاجری که اعضای جدایی‌ناپذیر همه جوامع ما هستند، به رسمیت شناخته شدند. امروز همه‌گرمی روزی است برای به رسمیت شناختن سخاوت و گرمی جوامع میزبانی که تازه‌واردان را بدون توجه به نام‌شان در آغوش گرفتند. در کلمبیا، در آلمان و در سراسر جهان، نمونه‌هایی از جوامعی را می‌بینیم که خانه و زندگی‌شان را با آنان که نیک‌بختی کمتری دارند، به اشتراک گذاشته‌اند. بسیاری از جوامعی که مهاجران به آنجا می‌رسند،

روزها

جوامع شکننده

آنتونیو وتورینو، مدیرکل سازمان بین‌المللی مهاجرت، متنی را نوشته است و درباره روز جهانی مهاجران نکاتی را بیان کرده است. در این متن آمده است: «بسیاری از مواقع، زمانی که از مهاجران صحبت می‌کنیم، خودمان را مجبور به صحبت‌کردن درباره لحظاتی به‌شدت سخت می‌بینیم، گرفتارشده در روایت بحران. کسانی که در لیبی خود را تحت بازداشت می‌یابند، قاچاق‌شده در پشت کامیون‌ها، به دنبال زندگی جدید به دور از دولت‌های شکست‌خورده، درگیری و فاجعه. روز جهانی مهاجران، روزی برای به‌یادآوردن این